

پایه چهارم | آزمون هفتگی ۴

«سال تحصیلی ۹۷ - ۱۳۹۶»

صفحه ۱ از ۲

تاریخ: ۱۸ مرداد ماه ۹۶

مدت آزمون: ۲۵ دقیقه

کلاس: ۴۰۷، ۴۰۸ و ۴۰۹

رشته: ریاضی

درس: عربی



■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعريب :

۱. «القرآن يطلب من المؤمنين أن يكونوا أقوياء للدفاع عن دينهم و شرفهم!»

(۱) خواسته قرآن از مؤمنین این است که برای دفاع از دین و شرف شان قوی باشند!

(۳) خواسته قرآن از مؤمنین است که از دین خود و بزرگی شان دفاع کنند!

(۴) قرآن از مؤمنان قوی بودن برای دفاع از دین و شرف را طلب می کند!

۲. «امر مهم، أويختن این زنگ به گردن آن گربه است!»:

(۱) المهم أن نعلق ذلك الجرس في رقبة هذه القطة!

(۳) الأمر المهم تعليق هذا الجرس في رقبة تلك القطة!

(۲) العمل المهم هو أن نعلق الجرس في رقبة هذه القطة!

(۴) الذي مهم هو وجود من يعلق هذا الجرس في رقبة القطة!

۳. «إن تنظروا إلى الدنيا بتشاؤم تعيشوا فلقين دائماً»

(۱) ای کسانی که به دنیا با سوء ظن نگاه می کنید زندگیتان با آشفتگی همراه می باشد!

(۲) اگر به دنیا با بدبینی نگاه کنید همیشه مضطرب زندگی می کنید!

(۳) تا وقتی به دنیا با بدبینی نگاه می کنید زندگیتان آشفته است!

(۴) هر کس به دنیا با سوء ظن نگاه کند دائماً مضطرب است!

۴. «إن الأفضل لكل منا أن نواجه حقائق الحياة المرّة دون تشاؤم و قلق!»

(۱) قطعاً رویارویی با حقایق زندگی تلخ به دور از بدبینی و اضطراب برای ما بهتر است!

(۲) برای همه ی ما بهتر است با حقایق زندگی تلخ به دور از بدبینی و نگرانی رودررو شویم!

(۳) برای هر یک از ما بهتر است که با حقایق تلخ زندگی بدون بدبینی و نگرانی مواجه شویم!

(۴) مسلماً برای ما مواجه شدن با حقیقت های تلخ زندگی بدون بدبینی و پریشانی خوب است!

۵. «تحدّثت المعلمة حول حفلة عظيمة تقام لتكريم شخصية مثالية»:

(۱) سخن آموزگار در مورد احتفالات باشکوهی بود که برای احترام این شخصیت نمونه برپا می گردد.

(۲) آموزگار پیرامون جشن عظیمی که به خاطر احترام به شخصیتی والا برگزار می شود، صحبت می کند.

(۳) معلم درباره ی جشن بزرگی صحبت کرد که برای بزرگداشت یک شخصیت نمونه برپا می شود.

(۴) صحبت معلم درباره ی برپایی جشن بزرگی است که برای تکریم فردی نمونه انجام می گیرد.

۶. «للطبيعة مواهب كثيرة قد أمرنا الله أن نتنفع منها!»

(۱) برای طبیعت نعمت های زیادی است که به دستور خدا ما از آن استفاده می کنیم!

(۲) طبیعت موهبت های زیادی دارد که خدا به ما دستور داده که از آن استفاده کنیم!

(۳) ما به دستور خداوند ملکف هستیم از موهبت های بسیار طبیعت استفاده کنیم!

(۴) در طبیعت موهبت های بسیاری است که ما به استفاده از آن امر شده ایم!

۷. «اگر یاد شهیدان را حفظ کنیم، هرگز در بین ما فراموش نخواهند شد!»:

(۱) إن نحفظ ذكري الشهداء، فلن نُنسوا أبداً!

(۲) إن حفظنا ذكري الشهداء، ما نسيناهم أبداً بيننا!

(۳) إذا نحفظ ذكري شهداءنا، فلن نُنسوا أبداً!

(۴) ما نُسِّي الشهداء، إن يُحفظ ذكراهم!

۸. «أخبرنا القرآن عن دوران الأرض من خلال كلمات وجيزة!»

(۱) قرآن از حرکت زمین به طور خلاصه به ما خبر داده است!

(۲) آیات قرآن ما را در مورد حرکت زمین از خلال کلماتی خلاصه آگاه کرده است!

(۳) آگاهی ما در مورد چرخش زمین از طریق کلمات کوتاه قرآن است!

(۴) قرآن ما را از چرخش زمین از طریق کلماتی کوتاه آگاه کرد!

۹. «لأساعد أُمي في أعمالها، خرجت من البيت لتهيئة ما تحتاج إليه!»:

(۱) برای اینکه به مادرم در کارهایش کمک کنم، برای تهیه آنچه به آن نیاز دارد از خانه خارج شدم!

(۲) باید به مادرم در کارهایش کمک کنم و برای تهیه میحتاج وی از خانه خارج شوم!

(۳) برای اینکه به مادرم در کارهای خانه کمک کنم، از خانه خارج شدم و میحتاج او را تهیه کردم!

(۴) باید در کارهای مادرم به او کمک کنم و برای تهیه آنچه نیاز دارد از خانه خارج شوم!

۱۰. عین الصحیح:

(۱) مادر از کارهای بیهوده ی فرزندش ناراحت شد، إزعجت الأم من أعمال ولدها العبيثة :

(۲) و فرزند بعد از مدتی احساس پشیمانی کرد، و بعد المدة شعرت الولد بالتدم،

(۳) و نزد مادر رفت و از او معذرت خواست، و ذهب إلى أمه و إعتذرت منها،

(۴) و دستش را بوسید، در این هنگام مادرش او را نزد خود نشانده! و قبلت أيديهما و حينئذ أجلستها الأم عندها!

۱۱. «صباح أحد الأيام كنتُ أوصل طريقي قللاً»:

- (۱) صبح یکی از روزها، راهم را با نگرانی ادامه می دادم!
(۲) در صبح یکی از روزها، مسیرم را نگران ادامه می دهم!
(۳) در یکی از روزها، راهی را با نگرانی ادامه می دادم!
(۴) صبح یکی از روزها بود که با این که نگران بودم، راهم را ادامه می دادم!

۱۲. «لأساعد المحرومين و المساكين، أنفقت كثيراً من راتبي!»:

- (۱) باید به محرومان و بیچارگان کمک کنم، لذا بسیاری از حقوق خود را انفاق کردم!
(۲) برای اینکه به محرومان و درماندگان کمک کنم، مقداری از حقوقم را خرج می کنم!
(۳) بسیاری از حقوق خود را خرج می کنم تا محرومان و درماندگان را یاری کنم!
(۴) برای این که محرومان و بیچارگان را یاری کنم، بسیاری از حقوق خود را انفاق کردم!

۱۳. عین الخطأ:

- (۱) لا يقولن صاحب الإثنين لصاحب الواحد: دارنده ی دو درجه (از ایمان) به کسی که یک درجه دارد نمی گوید،
(۲) لست علی شیء، : تو چیزی نیستی،
(۳) فلا تسقط من هو دونك: پس کسی را که پائین تر است به پائین میانداز،
(۴) فیسقطك من هو فوقك!: که کسی که بالای توست تو را می اندازد!
۱۴. «لا يحصل علی النجاح إلا من یسعی أن یبعد الشیطان عن نفسه!»:
(۱) هر کس که سعی در دوری شیطان از نفس خویش کند، فقط موفق است!
(۲) هرگز به موفقیت دست نمی یابد مگر کسی که تلاش کند تا شیطان از او دور شود!
(۳) هیچ کس به موفقیت نمی رسد مگر اینکه سعی کند تا شیطان را از خویش دور کند!
(۴) فقط کسی به موفقیت دست می یابد که سعی کند شیطان را از خود دور کند!

۱۵. «إن للخفافيش حاسة سمع حادة تساعدها أثناء الطيران!»:

- (۱) همانا خفاش حس شنوایی قوی دارد که در پرواز کردن به او کمک می کند!
(۲) خفاش ها حس تیز شنوایی دارند که هنگام پرواز به آن ها کمک می کند!
(۳) برای خفاش ها حسی تیز در شنوایی وجود دارد که خلال پرواز آن ها را یاری می دهد!
(۴) حس شنوایی در خفاش ها بسیار نیرومند است و هنگام پرواز موجب یاری رساندن به آن ها می شود!

۱۶. عین الصحیح:

- (۱) تذوق البارودي مَز الحیاة و حلوها! : بارودی تلخی زندگی و شیرینی آن را می چشد!
(۲) و لذلك شجَع الشَّبَاب إلى إغتنام الفرصة! : به همین خاطر جوانان به غنیمت شمردن فرصت تشویق می شوند!
(۳) و قد استفادوا من الفرص للوصول إلى الشَّرَف! : و از فرصت ها برای رسیدن به شرافت استفاده کرده اند!
(۴) و يعتقدون أن من تعزف علی حقیقة الحیاة ناجحٌ فی حیاته! : و معتقدند هرکس حقیقت زندگی را شناخت در زندگی موفق است!
۱۷. «دوستم موقعی که شنید در مدرسه ما جشنی برپا خواهد شد، خوشحال شد!»:

- (۱) لما سمع صديقي أن الحفلة ستعقد في المدرسة أصبح مسروراً!
(۲) أصبح رفيقي مسروراً عندما سمعت أن حفلة تتعقد في مدرستنا!
(۳) عندما سمعت صديقتي حفلةً ستعقد في مدرستنا أصبحت مسرورةً!
(۴) إذا سمع الصديقي سوف تتعقد في مدرستنا حفلةً أصبح فرحاً!

۱۸. «أجلس أمير المؤمنين أولئك الأطفال إلى جانبه و لعب معهم و لكن المرأة الفقيرة ما عرفته!»:

- (۱) امیرالمؤمنین کنار آن کودکان نشست و با آن ها بازی کرد در حالی که آن زن ایشان را نشناخت!
(۲) امیرالمؤمنین با آن کودکانی که در کنار خود نشاندند بازی کرد ولی زن فقیر او را نشناخت!
(۳) امیرالمؤمنین آن کودکان را کنار خود نشاند و با آن ها بازی کرد اما زن فقیر ایشان را نشناخت!
(۴) امیرالمؤمنین کودکان را کنار خود نشاند تا با آن ها بازی کند ولی زن تهی دست او را نمی شناخت!

۱۹. «إنما تضيع عمرک إلا أیاماً قضيتها فی إکتساب العلم و الأخلاق الکریمه!»:

- (۱) همانا تو عمر خویش را تباه نمودی به جز روزهایی را که در کسب علم و اخلاق نیک گذرانده ای!
(۲) فقط تو عمرت را نابود می کنی مگر چند روزی که با کسب دانش و رفتار نیکو سپری شد!
(۳) تنها روزهایی از عمر خود را تباه نمی کنی که آن ها را در کسب علم و اخلاق نیک سپری کرده ای!
(۴) بی شک عمر تو تباه می شود مگر روزهایی که در به دست آوردن علم و رفتار نیکو گذشته باشد!

۲۰. «إذا تربی أبناءنا علی القيم الإسلامیة استطاعوا أن یواجهوا المشاكل فی الحیاة!»:

- (۱) هنگامی که فرزندان ما بر ارزش های اسلامی تربیت شوند می توانند با مشکلات در زندگی روبه رو شوند!
(۲) اگر فرزندان ما را براساس ارزش های اسلامی تربیت کنی آن ها می توانند با مشکلات در زندگی برخورد کنند!
(۳) اگر فرزندان ما براساس ارزش های اسلام رشد کردند قادر هستند تا با مشکلات زندگی خود برخورد کنند!
(۴) هنگامی که تربیت فرزندان ما براساس ارزش های دینی باشد می توانند با مشکلات خود در زندگی برخورد کنند!

